

ظرفیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا-همدان

حشمت اله سعدی* و عطیه سلیمانی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۷)

چکیده

کارآفرینی یکی از عناصر ضروری و زیربنایی در پیشرفت تکنولوژی، توسعه تجارت، ارتقاء سطح نوآوری، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی است. مطالعه حاضر با هدف کلی بررسی ظرفیت کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا و عوامل مؤثر بر آن صورت پذیرفته است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده که در آن از روش توصیفی و علی-ارتباطی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است که ضریب پایایی آن ۰/۷۹ برآورد شده است. جامعه آماری تحقیق، ۱۳۵۳ نفر کل دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (کارشناسی و کارشناسی ارشد) در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. که ۱۱۴ نفر به عنوان نمونه مورد نظر از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله در دو بخش توصیفی و استنباطی و از طریق نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت. در بخش توصیف اطلاعات از آمارهای توصیفی مثل فراوانی، درصد، میانه، مد، انحراف معیار، واریانس، میانگین و مواد دیگر بهره گرفته شده است. در تحلیل داده‌ها، به فراخور جنس متغیرها، از آزمون‌ها آماری و ضرائب همبستگی مختلف استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ظرفیت کارآفرینی ۲۰ درصد از دانشجویان ضعیف، ۳۳/۸ درصد متوسط، ۲۶/۳ درصد خوب و ۱۶ درصد در حد بالایی است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد از مجموع ۳۲ ویژگی کارآفرینی، ۶ مورد ویژگی مهم یعنی ریسک‌پذیری، توانایی فعالیت در بازار، انتقاد پذیری و خلاقیت در اولویت‌های آخر و در حد ضعیفی در دانشجویان وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از این است که متغیرهای فردی مؤثر بر کارآفرینی، رشته تحصیلی در دانشگاه و شرکت در دوره‌های مربوط به خود اشتغالی بر ظرفیت کارآفرینی تأثیر می‌گذارند. در پایان با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهاداتی در راستای ارتقاء ظرفیت کارآفرینی دانشجویان ارائه شده است.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، کارآفرین، دانشکده کشاورزی، ریسک‌پذیری، خلاقیت.

۱- به ترتیب استادیار و دانشجوی سابق کارشناسی ارشد، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

*- مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: Hsaadi48@yahoo.com

مقدمه

با وجود کاربرد وسیع واژه کارآفرینی در ادبیات اقتصادی جهان، ارائه تعریف جامع و مانع از آن مشکل است زیرا کارآفرینی یک ویژگی پویاست و درک هر فرد نسبت به آن متفاوت از دیگری است. شاید به همین دلیل است که تاکنون تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. موریس و همکاران (Morris *et al.*, 1993) کارآفرینی را ایجاد ارزش از ترکیب منابع و بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها می‌دانند. اساس کارآفرینی شناخت فرصت‌های جدید، بهره‌برداری از فرصت‌های در دسترس، شناسایی منابع مورد نیاز و فراهم نمودن آن‌ها برای رسیدن به ارزش است. دام و همکاران (Dam *et al.*, 2010) کارآفرینی را توانایی استفاده از ایده‌های نوآورانه در بازارهای رقابتی تعریف می‌کنند. کارآفرینی یکی از عناصر ضروری و زیربنایی در پیشرفت تکنولوژی، توسعه تجارت و ایجاد رفاه است. کارآفرینی، سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی کشورها از طریق ارتقاء سطح نوآوری و ایجاد اشتغال دارد و از این طریق می‌تواند به ایجاد ثروت اقتصادی و قدرت منجر شود (Holmgren & From, 2005; Guasch *et al.*, 2002). در دنیای امروز، توسعه کارآفرینی، بخشی جدایی‌ناپذیر و کلیدی از مباحث توسعه اقتصادی هم در کشورهای پیشرفته و هم در حال توسعه است. مجموع مطالعات انجام شده نشان می‌دهد ارتباط معنی‌دار و عمیقی بین کارآفرینی و توسعه اقتصادی وجود دارد (Malecki, 1994)، تا جایی که برخی اعتقاد دارند راه‌اندازی و شروع فعالیت جدید توسط افراد کارآفرین برای رشد اقتصادی لازم است، گرچه این مورد به تنهایی کافی نیست (Reynolds *et al.*, 1994). به نحوی که امروزه صحبت از الگوی توسعه مبتنی بر کارآفرینی است (احمدپورداریانی، ۱۳۸۳). کارآفرینان سبب پویایی و افزایش بهره‌وری شده و در سطح اجتماع، ارزش کار را افزایش می‌دهند، روحیه سعی و تلاش در بدنه جامعه را بالا می‌برند و سبب تشویق جامعه به کارهای خلاق و کارآفرین می‌شوند. همین امر سبب رشد و بالندگی در اجتماع می‌شود. اهمیت کارآفرینی در توسعه تا آنجاست که به عنوان «موتور توسعه اقتصادی و هسته برنامه‌های توسعه کشورها»

قلمداد شده است. افزایش کارآفرینی در جامعه نیازمند تربیت افراد کارآفرین است. از این رو، سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های کارآفرینی منابع انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد و انتظار می‌رود دانشگاه‌ها در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی نقش محوری ایفا نمایند. بدون شک یکی از ضرورت‌های توسعه کارآفرینی در جامعه توجه به کارآفرینی در دانشگاه‌هاست. ایجاد فرهنگ و روحیه کارآفرینی در جامعه امری پیچیده است و نیاز به عناصر مختلفی دارد. استرن و هیل (Stearns & Hills, 1996) داشتن محیط و سیستم مناسب اقتصادی، اجتماعی در کنار سازمان کار مناسب، وجود منابع کافی و نهایتاً دسترسی به افراد کارآفرین را از عناصر ضروری برای شکل‌گیری کارآفرینی می‌دانند. از مجموع عناصر مورد اشاره، طیف وسیعی از محققان، افراد کارآفرین را عنصر ضروری در توسعه کارآفرینی در جامعه می‌دانند. در برخی از منابع مرتبط با کارآفرینی در تحلیل ویژگی‌های کارآفرینان دو رویکرد کلیدی مورد توجه قرار گرفته است.

الف- رویکرد ویژگی‌ها: این رویکرد اعتقاد دارد ویژگی‌های کارآفرینان به خصوصیات فردی آن‌ها ارتباط دارد. بر اساس این رویکرد، کارآفرینان در مقایسه با افراد معمولی ویژگی‌های برجسته‌ای دارند که می‌توانند با بهره‌گیری از آن‌ها ایده‌های جدیدی خلق کنند. جدول (۱) دیدگاه صاحب‌نظران را در این خصوص نشان می‌دهد.

ب- رویکرد رفتاری: در این رویکرد به ویژگی‌های مرتبط با سابقه و پیشینه اشاره می‌شود. در واقع داشتن پدر خوداشتغال، الهام‌بخش قوی برای کارآفرین است (شاه حسینی، ۱۳۸۶). کارآفرینان نیاز به تحصیلات در زمینه‌های مالی، برنامه‌ریزی، راهبردی، بازاریابی و مدیریت دارند. توانایی برقراری ارتباط با مردم و اطلاع‌رسانی گفتاری و نوشتاری نیز در بسیاری از فعالیت‌های کارآفرینی اهمیت دارد (حسینی و آهنگرپور، ۱۳۸۷). برخی اعتقاد دارند که سن، شاخص مهمی در کارآفرینی است. با این همه، میانگین سنی دقیقی از شروع فعالیت‌های کارآفرینانه به دست نیامده است (شاه حسینی، ۱۳۸۶).

جدول ۱- برخی از ویژگی‌های کارآفرینان بر اساس رویکرد ویژگی‌ها

ویژگی‌های کارآفرینان	صاحب‌نظران
وجود انگیزه توفیق طلبی	(Mc chelland, 1962).
مخاطره پذیری	(Brockhaus, 1980).
میل شدیدی به استقلال	(Mckeran, 1996).
خلاقیت	(احمدپور، ۱۳۷۹)، (Drucker, 1986)
مسئولیت پذیری، هدف گرایی	(سالاز و دیگران، ۱۳۸۳)،
آینده نگری	(شاه حسینی، ۱۳۸۶)
قدرت تحمل ابهام	(حسینی و آهنگریور، ۱۳۸۷) و (Gurol & Atsan, 2006).
قدرت ریسک	(Thomas & Muller, 2000)
قدرت استقلال رأی و تصمیم‌گیری سریع	(Mc Grath <i>et al.</i> , 1992).
شغل والدین	(Crant, 2000; Zampetakis, 2008; Zampetakis & Moustakis, 2006).
تحصیلات و آموزش	(Robinson & Sexton, 1994) و (زمانی و آجیلی، ۱۳۸۵).
توان مدیریتی	(Gallowy <i>et al.</i> , 2005)

دانش‌آموختگان به عنوان عاملان تغییر اجتماعی، این قابلیت‌ها را در جامعه ترویج دهند (مکی آل آقا، ۱۳۸۶). توجه به فرآیند کارآفرینی در دانشگاه‌ها تا بدان جاست که سازمان علمی آموزشی ملل متحد (یونسکو) در چشم‌انداز آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه‌های نوین را اینگونه تعریف نموده است: «جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی به منظور تسهیل قابلیت‌های دانش‌آموختگان و برای تبدیل شدن به ایجاد کنندگان کار، توسعه می‌یابد» (یونسکو، ۲۰۰۳). بدون شک شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در گرو تقویت ظرفیت کارآفرینی در دانشجویان و اعضاء هیأت‌علمی است. مطالعات مختلف نشان می‌دهد در سراسر دنیا میل به راه اندازی کسب و کار و افزایش ظرفیت کارآفرینی بین دانشجویان در مراحل مختلف رو به فزونی است (Farri & Levenberg, 2004). به اعتقاد کائو (۱۹۹۱) ایده‌های جدید توسط مغزهای خلاق انسان‌های با استعداد، زبده و تلاشگر خلق می‌شوند و جامعه امروز ما از دانشگاه‌ها انتظار دارد که دانشجویان را به گونه‌ای پرورش و آموزش دهند که خلاقیت داشته باشند و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، مهارت‌های فنی کاربردی مؤثرتر و به لحاظ عملکرد با

برخی معتقدند افرادی که پایگاه اجتماعی پایین‌تری دارند، دارای روحیه بیشتری در کارآفرینی هستند. قرار نگرفتن فرد در پایگاه اجتماعی مورد انتظار نیز سبب می‌شود تا فرد نسبت به اقدام کارآفرینانه، انگیزش نشان دهد. به عبارتی در حاشیه قرار گرفتن و پایین بودن جایگاه و منزلت فرد در جامعه، او را وامی‌دارد تا با تلاش و کوشش بیشتر، به جبران عقب‌ماندگی خود بپردازد و ظرفیت‌های درونی خود را تقویت کرده و شکوفا سازد (حسینی و آهنگریور، ۱۳۸۷). سیاست‌گذاران در اروپا و ایالات متحده معتقدند که کارآفرینی بیشتری برای رسیدن به سطوح بالاتر رشد اقتصادی نیاز است. آن‌ها همچنین معتقدند که می‌توان به سطوح بالاتری از کارآفرینی از طریق آموزش دست یافت (Oosterbeek *et al.*, 2009). در همین راستا رشد سریع در تعداد دانشگاه‌های ارائه دهنده دوره‌های کارآفرینی از تعداد اندکی در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۴۰۰ دانشگاه در سال ۱۹۹۵ دیده می‌شود (Rasmussen & Sorheim, 2006). توسعه مهارت‌ها و ابتکارات کارآفرینی باید دل مشغولی آموزش عالی باشد. در واقع دانشگاه می‌تواند قابلیت‌های کارآفرینی شامل دانش، مهارت و نگرش کارآفرینی را در دانش‌آموختگان ایجاد کند و

بودن ظرفیت کارآفرینی در دانش آموختگان دانشگاه‌های ایران می‌دانند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹؛ امیری و مرادی، ۱۳۸۷؛ حیدری زاده، ۱۳۸۲). این در حالی است که یعقوبی (۱۳۸۹) مدرک‌گرایی را مهم‌ترین دلیل پایین بودن ظرفیت کارآفرینی در دانشجویان بخش کشاورزی می‌داند. مطالعه بدری و همکارانش (۱۳۸۵) در دانشگاه نشان داد، دانشجویان ایران خطرپذیر نیستند، گرچه انگیزه پیشرفت بالایی دارند، وی معتقد است تأثیر آموزش‌های کنونی در افزایش سطح کارآفرینی ناچیز است. در مطالعه حاضر با توجه به رویکرد ویژگی‌ها، ظرفیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا مورد بررسی قرار گرفته و عوامل مؤثر بر آن تحلیل شده است. برخی از مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارتند از:

- ۱- برآورد ظرفیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی
- ۲- اولویت بندی مشخصه‌های کارآفرینی در دانشجویان دانشکده کشاورزی
- ۳- بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی بر ظرفیت کارآفرینی

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی است که به روش توصیفی-همبستگی و بر پایه راهبرد پیمایش (Survey Research) انجام پذیرفته است. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه ساختارمند، پرسشنامه، مشاهدات و پرسش‌های میدانی صورت پذیرفته است. اما ابزار اصلی پژوهش پرسشنامه‌ای بوده است که بر اساس پیشینه نگاشته‌های تحقیق در سه بخش اصلی ویژگی‌های فردی (۱۳ سؤال)، سنجش ظرفیت کارآفرینی دانشجویان (یک سؤال در قالب ۳۲ گویه) و سه سؤال باز طراحی شده است. روایی ظاهری (Face Validity) پرسشنامه توسط گروهی از متخصصان علوم تعاون، جامعه‌شناسی، ترویج و توسعه کشاورزی، و پایایی آن (برای سؤال مرتبط با سنجش ظرفیت کارآفرینی) با برآورد آلفای کرونباخ (۰/۷۹) تأیید شده است. جامعه

همه‌انگهی بیشتر با بازار کار داشته باشند (سریع‌القلم، ۱۳۸۶). مطالعات مختلف نشان می‌دهد گرایش به کارآفرینی و عناصر آن در دانشگاه‌هایی که دانشجویان به صورت رسمی و غیررسمی در دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند، بیشتر است. این بدان معنی است که برگزاری دوره‌های آموزشی، عجلتاً میل به ایجاد روحیه کارآفرینی را در دانشجویان و مخاطبان افزایش می‌دهد. به این ترتیب روز به روز این واقعیت بیشتر خود را نمایان می‌سازد که کارآفرینی و ایجاد روحیه کسب و کار را می‌توان در افراد با آموزش تقویت نمود (Gorman, et al., 1997، پترمن و کندی، ۲۰۰۳، Hornaday & Vesper, 1981) و این پدیده همان‌گونه که پیتر دراگر (۱۹۹۳) می‌گوید ربطی به مسائل ژنتیک ندارد. برخی مطالعات در کنار آموزش به برخی از ویژگی‌های خانوادگی و فردی در روحیه کارآفرینی دانشجویان اعتقاد دارند. مطالعه گرول و همکاران (Gruel et al., 2010) در بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموزان ترکیه و انگلستان نشان داد که نهاد خانواده بیشتر از سایر متغیرها بر روحیه و گرایش به کارآفرینی مؤثر است. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد فارغ‌التحصیلانی که والدین آن‌ها شغل تجاری دارند، آمادگی بیشتری برای شروع فعالیت‌های کارآفرینانه دارند. آنگ و هونگ (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای در سنگاپور و هنگ کنگ دریافتند روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان تا حد معنی‌داری به ریسک‌پذیری آن‌ها ارتباط دارد. نتایج پژوهشی در خصوص وضعیت کارآفرینی و ارتباط آن با تحمل ابهام در دانشگاه‌های ایرلند نشان داد، دانشجویانی که قدرت تحمل ابهام آن‌ها پایین است، سطح کارآفرینی کمی دارند (Pillis & Reardon, 2007). همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد دانشجویانی که در حین تحصیل با فعالیت‌های اجرایی و عملی روبه‌رو هستند و به عبارتی در معرض برخی از تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای قرار دارند، روحیه کارآفرینی بیشتری دارند و احتمال شروع کسب و کار جدید در آنان به مراتب بیشتر است (Peterman & Kennedy, 2003). تعداد قابل توجهی از محققین، عدم تناسب محتوای دروس با نیاز بازار کار و گرایش شدید به دروس نظری را مهم‌ترین علل پایین

در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تحصیل می‌نمودند که در نمونه مورد نظر، ۶۲/۵ درصد دانشجویان در مقطع کارشناسی و ۳۷/۵ درصد نیز در مقطع کارشناسی ارشد قرار داشتند. در مطالعه حاضر، دانشجویان از لحاظ سال ورود به دانشگاه در چهار گروه قرار داده شده‌اند. ۲۱/۳ درصد از دانشجویان ورودی سال ۸۵، ۲۸/۸ درصد ورودی سال ۸۶، ۳۵ درصد ورودی سال ۸۷ و ۱۵ درصد از آن‌ها نیز ورودی سال ۸۸ بودند. میانگین معدل کل دانشجویان، ۱۵/۸۱ بود. ضمن این که بیشترین معدل در دانشجویان، ۱۸/۸۰ و کم‌ترین آن نیز ۱۲/۵۰ بود. ۱۵/۳ درصد از پاسخگویان، دارای معدل ۱۴-۱۲، ۴۱/۷ درصد دارای معدل ۱۶-۱۴، ۳۸/۹ درصد معدل ۱۸-۲۰، ۱۸ درصد، بیشترین تعداد دانشجویان، دارای معدل ۱۶-۱۴ هستند. بنا بر اطلاعات ارائه شده ۹۳/۸ از دانشجویان، در شهر و ۶/۳ درصد از آن‌ها در روستا سکونت دارند. براساس اطلاعات ۱۰ درصد دانشجویان، به جز تحصیل به شغل دیگری اشتغال داشته و ۹۰ درصد آن‌ها فقط مشغول به تحصیل هستند و به شغل دیگری اشتغال ندارند.

برآورد ظرفیت کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی

برای برآورد ظرفیت کارآفرینی دانشجویان از روش فاصله انحراف معیار از میانگین (ISDM) استفاده شده است. با استفاده از این روش که مبتنی بر چهار پارامتر میانگین، حداقل، حداکثر و انحراف معیار است می‌توان ظرفیت کارآفرینی دانشجویان را مطالعه و آن را در چهار طبقه ضعیف، متوسط، خوب و عالی جای داد.

$$\begin{aligned} A &: \text{Min} < A < \text{Mean} - \text{St.d} = \text{ضعیف} \\ B &: \text{Mean} - \text{St.d} < B < \text{Mean} = \text{متوسط} \\ C &: \text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{St.d} = \text{خوب} \\ D &: \text{Mean} + \text{St.d} < D < \text{Max} = \text{عالی} \end{aligned}$$

به این ترتیب می‌توان گفت ۲۰ درصد دانشجویان، دارای روحیه کارآفرینی ضعیفی هستند. در مقابل به همین میزان، دانشجویانی در دانشکده کشاورزی وجود دارند که روحیه کارآفرینی آن‌ها در حد عالی است (جدول ۲).

آماره تحقیق، مجموع دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا است (۱۳۵۳ نفر) که با بهره‌گیری از فرمول کوکران تعداد ۱۱۴ نفر از آن‌ها به طور تصادفی انتخاب شده‌اند. مهمترین متغیر تحقیق عبارت است از ظرفیت کارآفرینی که بنا به تعریف، مجموعه ویژگی‌های فردی، اجتماعی و روانی است که فرد را به سمت و سوی خلق ایده‌های نو سوق می‌دهد. در مطالعه حاضر از ۳۲ گویه برای سنجش این متغیر استفاده شده است. در این پژوهش ۹ متغیر مستقل وجود دارد که از تلاقی آن‌ها ۹ فرضیه آزمون شده‌اند. برخی از متغیرهای مستقل عبارتند از شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی، مقطع تحصیلی دانشجویان، جنسیت، محل سکونت، رشته تحصیلی دانشجویان، سال ورود و موارد مشابه. در بخش توصیف اطلاعات از آماره‌های توصیفی مثل فراوانی، درصد، میانگین، مد، انحراف معیار، واریانس، میانگین، ضریب تغییر و موارد دیگر بهره گرفته شده است. موارد فوق با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS17 انجام شده است. در تحلیل داده‌ها به فراخور جنس متغیرها از آزمون‌های آماری و ضرائب همبستگی مختلف استفاده شده است.

یافته‌ها و بحث

توصیف جامعه مورد بررسی

از مجموع جامعه مورد بررسی، ۵۵ درصد زن و مابقی مرد بودند. همچنین میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه ۲۳ سال با انحراف معیار ۲/۰۱۷ بود. از مجموع پاسخگویان، ۸/۹ درصد آن‌ها زیر ۲۰ سال، ۸۱ درصد در فاصله سنی ۲۰-۲۵ سال و ۱۰/۱ درصد نیز در فاصله سنی ۲۵-۳۰ سال قرار داشتند. افرادی که در محدوده سنی ۲۰-۲۵ سال قرار داشتند، بیشترین درصد افراد را به خود اختصاص داده‌اند. افراد نمونه در شش رشته کشاورزی تحصیل می‌کردند. از این دانشجویان، ۱۸/۸ درصد در رشته باغبانی، ۱۷/۵ درصد در رشته علوم دام، ۱۵ درصد در رشته خاکشناسی، ۱۶/۳ درصد در رشته گیاهپزشکی تحصیل می‌نمودند. دانشجویان مورد بررسی

جدول ۲- توزیع فراوانی میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان با توجه به امتیاز کسب شده

امتیاز	روحیه کارآفرینی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۱۰۷	ضعیف	۲۳	۲۰	۲۰
۱۰۷/۱ - ۱۱۹	متوسط	۳۹	۳۳/۸	۵۳/۸
۱۱۹/۱ - ۱۳۱	خوب	۳۰	۲۶/۳	۸۰
بالاتر از ۱۳۱	عالی	۲۲	۲۰	۱۰۰
جمع		۱۱۴	۱۰۰	---
Mean=۱۱۶	St.d=۱۲	Max=۱۴۶	Min=۹۵	

بررسی داده‌ها همچنین حاکی از این است که ۳۳/۸ درصد دانشجویان، روحیه کارآفرینی متوسط و ۲۶/۳ درصد، دارای روحیه کارآفرینی خوب هستند. برای سنجش اولویت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان در حوزه‌های مختلف نیز می‌توان از فرمول‌های ذکر شده بهره گرفت (جدول ۳). با توجه به شاخص‌های مورد نظر می‌توان گفت ویژگی امیدواری به عنوان یکی از ضرورت‌های موفقیت در کارآفرینی در اولویت نخست قرار دارد (میانگین رتبه‌ای ۴/۴۶۲۵ از ۵ با انحراف معیار ۰/۸۱۰۴۲). نیاز به توفیق، نیاز به تغییر در زندگی، مسئولیت‌پذیری و میل به شروع یک کار نو از دیگر متغیرهایی است که در حد بسیار مطلوبی در دانشجویان وجود دارد. در مقابل برخی از متغیرهای کلیدی و بسیار مهم در فرآیند کارآفرینی در حد ضعیفی در دانشجویان وجود دارد. داشتن مهارت تفکر انتقادی، خلاقیت، انتقادپذیری، توانایی فعالیت در بازار و پذیرش ریسک از جمله این متغیرهای بسیار مهم هستند. برخی از متغیرهای نسبتاً مهم نیز در جامعه دانشجویان کشاورزی در حد خوب یا متوسط وجود دارد. از جمله این دسته از متغیرها می‌توان به دوراندیشی، عمل‌گرایی، انعطاف‌پذیری و ... اشاره نمود.

تحلیل داده‌ها

در بخش تحلیل داده‌ها با استفاده از ضرایب همبستگی و آزمون‌های آماری، ۹ فرضیه تحقیق آزمون شده‌اند. خلاصه نتایج در جداول ۴ و ۵ آمده است. همانگونه که ملاحظه

می‌شود در هفت مورد، فرضیه‌های تحقیق معنی‌دار نشده‌اند. بر اساس اطلاعات جدول ۴ ظرفیت کارآفرینی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی با هم تفاوت معنی‌داری ندارد. این بدان معنی است که عملاً در مقطع کارشناسی‌ارشد، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در کارآفرینی دانشجویان در نظام آموزش عالی اتفاق نمی‌افتد. تفاوت بین ظرفیت کارآفرینی دانشجویان مقاطع مختلف و یا دانشجویان سال‌های مختلف به روشنی حکایت از این دارد که دانشکده کشاورزی عملاً در خصوص این موضوع نتوانسته است تغییری در جامعه هدف ایجاد کند. به بیان دیگر، آن گونه که اتزکویتز بیان نموده است (Etzkowitz et al., 2000)، دانشگاه در اجرای مأموریت سوم خود ناتوان بوده است. بخش دیگری از نتایج تحقیق نشان می‌دهد کارآفرینی دانشجویان زن و مرد با هم تفاوت معنی‌داری ندارد. این نتیجه با نتیجه مطالعات یارائی (۱۳۸۳) و مرادی و شعبانعلی فمی (۱۳۸۹) هماهنگ است. البته مطالعاتی وجود دارد که معتقدند مردان در مجموع بیش از زنان به دنبال خلق ایده‌های نو هستند. داشتن شغل دیگر نیز در ظرفیت کارآفرینی افراد تأثیر ندارد. به عبارتی، سطح کارآفرینی دانشجویانی که به شغل دیگری در حین تحصیل اشتغال دارند با دانشجویان معمولی تفاوت ندارد. این موضوع نشان می‌دهد برخی از دانشجویان صرفاً به مشاغل اداری یا خدماتی اشتغال دارند و داشتن کار از انگیزه کارآفرینی آن‌ها سرچشمه نگرفته است. دانشجویان ورودی مختلف نیز ظرفیت کارآفرینی متفاوتی با هم ندارند.

جدول ۳- اولویت‌بندی ویژگی‌های کارآفرینی

اولویت	متغیرها	میانگین	انحراف معیار	وضعیت
۱	امیدواری	۴/۴۶۲۵	۰/۸۱۰۴۳	عالی
۲	نیاز به توفیق	۴/۴۲۵۰	۰/۷۷۵۸۲	عالی
۳	نیاز به تغییر در زندگی	۴/۲۸۷۵	۰/۸۱۴۳۳	عالی
۴	مسئولیت‌پذیری	۴/۲۸۷۵	۰/۸۵۹۷۰	عالی
۵	میل به شروع یک کار نو	۴/۱۳۷۵	۰/۸۰۷۳۰	عالی
۶	سازگاری با دیگران	۴/۰۶۲۵	۰/۹۰۴۸۹	خوب
۷	رشدگرایی	۳/۹۶۲۵	۰/۷۸۶۶۶	خوب
۸	استقلال	۳/۹۶۲۵	۰/۹۰۶۲۹	خوب
۹	توجه به جزئیات	۳/۹۵۰۰	۰/۹۲۶۴۱	خوب
۱۰	واقع‌نگری	۳/۸۸۷۵	۰/۷۱۱۴۶	خوب
۱۱	خود رهبری	۳/۸۲۵۰	۰/۸۰۷۷۹	خوب
۱۲	همکاری گروهی	۳/۸۱۲۵	۰/۸۵۸۲۳	خوب
۱۳	دوراندیشی	۳/۷۶۲۵	۰/۸۷۵۰۲	خوب
۱۴	یادگیری از اشتباهات	۳/۷۲۵۰	۰/۸۸۵۵۴	متوسط
۱۵	عملگرایی	۳/۷۱۲۵	۰/۸۱۴۳۳	متوسط
۱۶	مهارت ارتباطی	۳/۷۰۰۰	۰/۷۸۵۹۵	متوسط
۱۷	اراده و پشتکار	۳/۶۷۵۰	۰/۹۳۸۲۹	متوسط
۱۸	آگاهی به ضعف خود	۳/۶۲۵۰	۰/۸۴۷۵۶	متوسط
۱۹	داشتن هدف مشخص	۳/۶۱۲۵	۰/۹۸۷۱۸	متوسط
۲۰	اعتماد به نفس	۳/۵۷۵۰	۰/۹۲۴۷۰	متوسط
۲۱	نفوذ بر دیگران	۳/۵۶۲۵	۰/۹۳۹۲۱	متوسط
۲۲	قدرت‌طلبی	۳/۵۵۰۰	۱/۱۲۳۹۶	متوسط
۲۳	تصمیم‌گیری سریع	۳/۵۳۷۵	۰/۹۶۷۱۰	متوسط
۲۴	برخورد مثبت با مشکلات	۳/۵۲۵۰	۱/۰۳۰۸۵	متوسط
۲۵	خوش‌بینی	۳/۵۱۲۵	۱/۱۵۸۲۸	متوسط
۲۶	انعطاف‌پذیری	۳/۴۳۷۵	۰/۹۳۹۲۱	متوسط
۲۷	داشتن مهارت تفکر انتقادی	۳/۴۲۵۰	۰/۹۳۸۲۹	ضعیف
۲۸	خلاقیت	۳/۳۵۰۰	۰/۹۰۱۴۸	ضعیف
۲۹	انتقادپذیری	۳/۳۰۰۰	۰/۹۷۳۰۵	ضعیف
۳۰	توانایی فعالیت در بازار	۳/۲۸۷۵	۱/۱۰۴۵۸	ضعیف
۳۱	خیال‌پردازی	۳/۲۳۷۵	۱/۲۴۵۱۸	ضعیف
۳۲	ریسک‌پذیری	۳/۲۰۰۰	۱/۰۱۱۳۳	ضعیف
		Min=3.20	Max=4.46	St.d=0.34
				Mean=3.73

موارد ذکر شده جدول ۳ نشان می‌دهد نتایج آزمون فرضیه‌ها در دو مورد به شرح ذیل، معنی‌دار است.

این موضوع نشان می‌دهد تحصیل در نظام آموزش عالی در جهت ارتقاء سطح کارآفرینی افراد طراحی نشده و ماندگاری در دانشگاه بر این پدیده بی‌تأثیر است. در کنار

جدول ۴- آزمون آماری و سطح معنی داری آن در آزمون فرضیه

شماره	متغیر مستقل	جنس متغیر	متغیر وابسته	آزمون یا ضریب مورد استفاده	مقدار محاسبه شده	P
۱	مقطع تحصیلی	اسمی دو وجهی	ظرفیت کارآفرینی	MW	۱/۶۸۶	۰/۰۹۶
۲	آموزش	اسمی دو وجهی	ظرفیت کارآفرینی	MW	۹/۰۳۲	۰/۰۳۴*
۳	جنسیت	اسمی دو وجهی	ظرفیت کارآفرینی	MW	۰/۰۰۹	۰/۹۹۳
۴	محل سکونت	اسمی دو وجهی	ظرفیت کارآفرینی	MW	۰/۲۳۲	۰/۶۶۱
۵	اشتغال به شغل دیگر	اسمی چند وجهی	ظرفیت کارآفرینی	MW	۰/۲۹۹	۰/۵۳۱
۶	سال رود به دانشگاه	اسمی چند وجهی	ظرفیت کارآفرینی	Kw	۰/۷۰۲	۰/۵۵۴
۷	رشته تحصیلی	اسمی چند وجهی	ظرفیت کارآفرینی	Kw	۳/۵۲۵	۰/۰۰۷**
۸	سن دانشجوی	فاصله ای	ظرفیت کارآفرینی	اسپیرمن	۰/۹۵۴	۰/۳۲۱
۹	معدل دانشجوی	فاصله ای	ظرفیت کارآفرینی	اسپیرمن	۱/۱۷۰	۰/۴۳۱

* معنی دار در سطح ۵ درصد

** معنی دار در سطح ۱ درصد

تفاوت در ظرفیت کارآفرینی رشته‌های مختلف کشاورزی

آیا تحصیل در رشته‌های مختلف کشاورزی تأثیری بر تغییر نگرش فرد نسبت به بروز و یا عدم بروز ویژگی‌های کارآفرینی دارد؟ به منظور پاسخ به این سؤال، میانگین نمره روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان رشته‌های مختلف مورد مطالعه مقایسه گردید. نتیجه آزمون کروسکال والیس (Kruskal- Wallis Test) نشان می‌دهد که دانشجویان رشته‌های مختلف کشاورزی از نظر ظرفیت کارآفرینی، تفاوت معناداری با یکدیگر داشته‌اند. لازم به یادآوری است با استفاده از آزمون کروسکال والیس، تنها می‌توان معنی دار بودن تفاوت رتبه‌ها را در چند جامعه آزمون نمود و نمی‌توان آن‌ها را مشابه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، در دو یا چند گروه جای داد (منصوف، ۱۳۸۲). با توجه به جدول ۵، دانشجویان رشته ترویج نسبت به دانشجویان رشته‌های دیگر دارای روحیه کارآفرینی بالاتری هستند و کمترین میزان روحیه کارآفرینی مربوط به گروه زراعت می‌باشد.

شرکت در دوره‌های آموزشی مربوط به کارآفرینی

با توجه به جنس متغیرها برای مقایسه ظرفیت کارآفرینی دو گروه دانشجویانی که دوره‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی و موارد مشابه را سپری نموده‌اند با افرادی که تاکنون در هیچ دوره‌ای شرکت نداشته‌اند از آزمون من‌ویتنی (Mann- Whitney Test) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد تفاوت ظرفیت کارآفرینی بین این دو گروه، معنی دار است. مقایسه میانگین رتبه‌ای در این خصوص نشان می‌دهد، ظرفیت کارآفرینی افرادی که در دوره آموزشی شرکت داشته‌اند به نحو معنی داری از سایر دانشجویان بیشتر است به عبارتی، آموزش در این زمینه مؤثر بوده است. این نتیجه با اکثر مطالعاتی که در خصوص کارآفرینی صورت گرفته است از جمله پترمن و کندی (۲۰۰۳)، هورنادی و وِسپر (Hornaday & Vesper, 1981)، گالوی و همکاران (Gallowy et al., 2005) و زمانی و آجیلی (۱۳۸۵) مطابقت دارد. اما برخی چون شاپرو (Shapiro, 1980) اهمیت آموزش را در نحوه اجرای آن می‌دانند. برخی نیز چون بدری و همکاران (۱۳۸۵) تأثیر آموزش‌های کنونی را در افزایش سطح کارآفرینی، ناچیز می‌دانند.

جدول ۵- میانگین کارآفرینی رشته‌های مختلف تحصیلی

اولویت	رشته تحصیلی	میانگین رتبه ای
۱	ترویج	۵۱/۳۶
۲	خاکشناسی	۴۸/۱۵
۳	باغبانی	۳۸/۵۷
۴	گیاهپزشکی	۳۷/۹۲
۵	علوم دامی	۳۷/۳۳
۶	زراعت	۱۹/۶۸

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در هزاره سوم، کارآفرینی، سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی کشورها از طریق ارتقاء سطح نوآوری و ایجاد اشتغال پایدار دارد و از این طریق می‌تواند به ایجاد ثروت اقتصادی و قدرت منجر شود. امروزه کارآفرینی از جمله راه‌هایی است که به عنوان اقدامی پایدار در جهت اشتغال‌زایی در اولویت دولت‌ها قرار گرفته است. در این راستا، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به علت داشتن اعضای هیأت‌علمی مجرب و امکانات پژوهشی مناسب، نقش منحصر به فردی در این رابطه ایفا می‌کنند. این مراکز می‌توانند دانشجویان را به گونه‌ای تربیت کنند که توانایی اقدام و عمل مناسب همراه با انعطاف‌پذیری و پذیرش موقعیت‌های شغلی نا امن و پیچیده را در بازار کار داشته باشند و بتوانند مشاغل تازه‌ای همراه با نوآوری و خطرپذیری شایسته ایجاد کنند. به همین دلیل است که موضوع کارآفرینی در دانشگاه‌ها به مسأله‌ای مهم بدل شده و اقدامات گسترده‌ای به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته برای تقویت و گسترش آن انجام می‌دهند.

با وجود اهمیت موضوع کارآفرینی در دانشگاه‌ها، نتایج این تحقیق نشان داد ظرفیت کارآفرینی در جامعه دانشجویان مورد بررسی در حد قابل قبولی نیست. در واقع برخی از ویژگی‌هایی که برای کارآفرینی ضروری است از جمله داشتن مهارت تفکر انتقادی (شاه حسینی، ۱۳۸۶)، خلاقیت (Drucker, 1986; Gruel et al., 2010)، (احمدپور، ۱۳۷۹)، انتقادپذیری، توانایی فعالیت در بازار، خیال‌پردازی و ریسک‌پذیری (Ang & Hong, 2000; Brockhaus, 1980) در حد ضعیفی در جامعه دانشجویان مورد بررسی دیده می‌شود. به باور برخی از صاحب‌نظران،

این ظرفیت برای دانشگاه‌های کشور نگران کننده است. نتایج تحقیق در دانشگاه‌های دیگر نیز این نتیجه را تأیید می‌کند (خلیل‌زاده و امین‌پور، ۱۳۸۹، شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵). نتایج به دست آمده بیانگر آن است که فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه در طی دوران تحصیل دانشجویان، تأثیری در بهبود روحیه کارآفرینی آن‌ها نداشته است و این خود ضرورت ایجاد تغییرات اساسی در محتوای، سرفصل دروس و روش‌های تدریس علوم کشاورزی را دو چندان می‌کند.

نتایج دیگر تحقیق نشان داد ظرفیت کارآفرینی دانشجویان، بیش از آن که تحت تأثیر ویژگی‌های فردی قرار گیرد، از آموزش و رشته تحصیلی تأثیر می‌پذیرد. نتایج مطالعه یارایی (۱۳۸۳) و مرادی و شعبانعلی‌فمی (۱۳۸۹) نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. به این ترتیب به نظر می‌رسد برای افزایش ظرفیت کارآفرینی در دانشگاه‌ها بیش از هر چیز باید بر آموزش تأکید کرد. برنامه‌های درسی آموزش عالی از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند.

فقدان تفاوت معنی‌دار بین ظرفیت کارآفرینی دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد کشاورزی یکی دیگر از نتایج این تحقیق بود. این نتیجه حکایت از عدم تأثیر برنامه‌های کارشناسی ارشد بر ظرفیت کارآفرینی دانشجویان دارد. این بدان معنی است که اساساً سیستم آموزش در مقطع کارشناسی‌ارشد در ادامه سیستم آموزشی دوره کارشناسی است، گرچه انتظار می‌رود دانشجویان این مقطع با درگیر شدن در فعالیت‌های پژوهشی نگرش متفاوتی به مقوله کارآفرینی داشته باشند.

دانشجویان انگیزه و روحیه کارآفرینی ایجاد کند. افزون بر این‌ها سعی شود دانشجویان را خودباور و شجاع، نوآور و خلاق، مسئولیت‌پذیر و هدایت‌گر، استقلال‌طلب و آینده‌نگر و توانمند در رویارویی با ابهام و خطرپذیر و متکی به نفس بارآورند. در حال حاضر دروس ارائه شده در رشته‌های کشاورزی به شیوه سنتی و کاملاً نظری بیان می‌شود. این مسأله با روح شکل‌گیری خلاقیت در تضاد است.

- در یک فرآیند نسبتاً ساده، دانشگاه‌ها باید اقدام به طراحی بانک اطلاعات کارآفرینان دانشگاهی کنند. فراهم ساختن اطلاعات لازم برای آگاهی استادان و دانشجویان از نیازها و مسایل کاری رشته تخصصی‌شان در رشد و ایجاد روحیه کارآفرینی آن‌ها بسیار مؤثر است. از این رو ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در دانشگاه‌ها ضروری است. چنین بانک‌هایی می‌توانند اطلاعات لازم را برای آشنایی با اقدامات و فعالیت‌های کارآفرینانه در اختیار دانشجویان قرار دهند. در قالب این بانک‌ها، دانشجویان می‌توانند در برخی مواقع از کارآفرینان برتر دعوت نموده و انگیزه بیشتری را در این خصوص کسب کنند. در حال حاضر تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا اقدام به راه‌اندازی کسب و کار نموده‌اند، اما به دلیل فقدان بانک اطلاعاتی و نبود برنامه جامعی در این خصوص نمی‌توان از تجارب آن‌ها استفاده نمود.

- مدیران دانشکده کشاورزی باید زمینه را بر ارتباط دانشکده با بخش‌های اجرایی فراهم کنند. در شرایط کنونی، دانشگاه‌ها ظرفیت مالی حمایت و پشتیبانی از ایده‌های نو را ندارند. حمایت دستگاه‌های اجرایی از کارآفرینان دانشکده‌های کشاورزی می‌تواند با هدف ایجاد انگیزه، برنامه‌ریزی و تأمین امنیت اقتصادی صورت گیرد. افزون بر این، دولت باید با تسهیل روابط علمی و کشاورزی در حوزه مختلف، جریان نوآوری در سطح کشور را در قالب نظام ملی نوآوری انسجام بخشد. ارتباط دانشکده کشاورزی همدان با بخش‌های اجرایی به ویژه وزارت کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی در حداقل ممکن قرار دارد. این پدیده، دانشجویان را با این سؤال مواجه نموده است که به راستی چه تخصص کشاورزی نیاز است و چرا هیچ ارتباطی بین این دو سازمان وجود ندارد؟

نتایج دیگر تحقیق نشان داد، ظرفیت کارآفرینی در بخش کشاورزی به صورت معنی‌داری از رشته تحصیلی تأثیر می‌پذیرد، به گونه‌ای که ظرفیت کارآفرینی در دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی در بالاترین وضعیت قرار دارد. به نظر می‌رسد ارائه دروس تخصصی رشته ترویج و آموزش کشاورزی به صورت عملی و تجربی و آشنا بودن دانشجویان این رشته با دروس مرتبط با کارآفرینی چون مدیریت، اقتصاد خرد، برنامه‌ریزی و موارد مشابه، بخشی از دلایل بالا بودن ظرفیت کارآفرینی در این رشته است. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد:

- دانشجویان کشاورزی از طرق مختلف، از قبیل برگزاری کلاس‌ها، کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و برگزاری سمینارهای تخصصی کارآفرینی، با مفاهیم و اصول اساسی کارآفرینی و دانش و تئوری‌های اقتصادی آشنا شوند، ارائه دروسی در ارتباط با کارآفرینی، توسعه مشاغل خرد، مدیریت واحدهای تولیدی، برآورد هزینه‌های کارشناسی تولید و موارد مشابه می‌تواند در این راستا مفید باشد.

- شرایطی فراهم شود تا دانشجویان کشاورزی در کنار فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، از طریق فعالیت در محیط‌های یادگیری واقعی یا شبیه‌سازی شده یا برقراری ارتباط با کارآفرینان مجرب، در فعالیت‌های اقتصادی نیز مشارکت داده شوند. ایجاد کارگاه‌های خوداشتغالی در دانشگاه‌ها باعث می‌شود که دانشجویان گذشته از کار کردن به هنگام تحصیل، تجربه‌هایی در رابطه با رشته تحصیلی‌شان پیش از فارغ‌التحصیل شدن به دست آورند. دانشکده‌های کشاورزی باید زمینه را برای درگیر نمودن دانشجویان با شرایط واقعی کشاورزی فراهم کنند. توسعه مزارع آموزشی کشاورزی و تأکید بر ارائه دروس به صورت عملی می‌تواند در این زمینه مفید واقع شود. در مواردی سرفصل دروس ارائه شده بر این نکات تأکید نموده است، اما فقدان امکانات لازم و قوانین دست و پاگیر مانع از اجرای کامل برنامه‌ها می‌شوند.

- پرورش دانش‌آموختگان کارآفرین جز با ایجاد تحول در محتوای دروس و نیز تغییر در شیوه‌های تدریس متناسب با ماهیت کارآفرینانه فراهم نخواهد شد. در کنار دروس تخصصی کشاورزی باید واحدهای درسی ارائه شود که در

این خصوص نتایج بسیار ارزنده‌ای به دنبال خواهد داشت. مدیران این بخش تصویر روشنی از کارآفرینی در بخش کشاورزی ندارند و محدود دوره‌هایی که در این خصوص برگزار می‌شود به مقوله کارآفرینی در بخش صنعت اختصاص دارد.

- پیشنهاد می‌شود هنگام تهیه و تدوین یا بازنگری برنامه‌های درسی، نیازسنجی به عنوان اولین گام برای بسترسازی شناسایی نیازهایی که شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب برنامه درسی مبتنی بر پرورش ظرفیت‌های کارآفرینی دانشجویان را نشان می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر نیاز به افراد تحصیل کرده و کارآفرین در بخش کشاورزی برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های این بخش بسیار ضروری است.

- و نهایتاً این که برای دستیابی به کارآفرینی باید جنبه‌های مختلف آن را سنجید و آن را تقویت کرد و باید اذعان نمود که هزاره جدید، ظهور تفکرات جدید را در پی خواهد داشت. از طرفی، فعالیت‌های پشتیبانی از کارآفرینی (برنامه آموزش کارآفرینی) فرآیندی زمان بر است و اعتقاد و التزام مدیریت دانشگاه‌ها نباید گذرا و مقطعی باشد، مسائل و اهداف بازار کار باید به خوبی در بررسی ایده‌ها و خلاقیت‌های کارآفرینان گنجانده شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود در قالب یک پژوهش، تجارب سایر کشورها به ویژه کشورهایی چون مالزی و سنگاپور در ارتقاء ظرفیت کارآفرینی دانشجویان، مطالعه و از آن در بهبود وضعیت کنونی در دانشگاه‌های کشور استفاده گردد.

- توسعه روحیه کارآفرینی در دانشگاه‌ها با شیوه‌های تدریس اساتید ارتباط مستقیم دارد. در یک نظام آموزشی مسأله محور، بهتر می‌توان زمینه پرورش ویژگی‌ها و ظرفیت‌های کارآفرینی دانشجویان را فراهم نمود. در حال حاضر دانشجویان از شیوه‌های تدریس قدیمی برخی از اساتید گله‌مند هستند و معتقدند دروس کاملاً تخصصی به صورت کاملاً سنتی و به صورت صد در صد نظری ارائه می‌شوند. بسیاری از اساتید کشاورزی حتی توانایی استفاده از ساده‌ترین تکنولوژی‌های تدریس را ندارند تا چه رسد به استفاده از روش‌های تدریس مسأله محور و مشارکتی. بنابراین، توصیه می‌شود ضمن تجدید نظر در محتوای دروس رشته‌های کشاورزی در جهت هماهنگی بیشتر با نیازهای بازار کار، به روش‌های نوین تدریس به منظور پرورش تفکر خلاق در دانشجویان توجه ویژه‌ای گردد. این خود نیازمند استفاده از روش‌های مشارکتی و پیشرفته تدریس توسط جامعه اعضای هیأت‌علمی است. اعضای هیأت علمی باید در معرض آموزش‌های مختلف قرار گیرند. شاید بالا بودن ظرفیت کارآفرینی در رشته ترویج و آموزش کشاورزی به دلیل استفاده از روش‌های پویا و مشارکتی در دروس تخصصی توسط اساتید این گروه آموزشی باشد.

- ایجاد رشته کارآفرینی کشاورزی یا حداقل ارائه چند واحد درسی در این خصوص یک ضرورت است. با وجود ظرفیت بالای بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال، بخش قابل توجهی از دانش‌آموختگان این دانشکده برای اشتغال، صرفاً به مدیران دولتی چشم دوخته‌اند. گفتگو با آن نشان می‌دهد که در واقع آن‌ها هیچ شناختی از این بخش و قابلیت‌های آن نداشته و کاملاً خود را ناتوان می‌دانند.

- بخش مدیریت کارآفرینی در دانشگاه باید فعال عمل کند. مدیران دانشگاه باید بدانند هر گونه سرمایه‌گذاری در

منابع

- احمدپور داریانی، م. (۱۳۷۹). کارآفرینی. تهران: پردیس، صص ۸۱-۹۱.
- احمدپور داریانی، م. (۱۳۸۳). کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها، تهران: پردیس.
- امیری، ع. و مرادی، ی. (۱۳۸۷). نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۳، شماره ۴۹، صص ۶۷-۴۵.

- بدری، ا.، لیاقتدار، م. ج.، عابدی، م. ر.، و جعفری، ا. (۱۳۸۵). بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰، صص ۷۳-۹۰.
- حسینی، س. م.، و آهنگرپور، ع. (۱۳۸۷). رابطه شخصیت با کارآفرینی. کارآفرینی در عرصه تئوری و عمل. جلد ۲۰، شماره ۲، سال ۱، صص ۳۶-۶۸.
- حسینی، س. م.، حسینی، س. ج.، و سلیمانپور، م. ر. (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی/ایران. دوره ۲-۴۱، شماره ۳، صص ۳۶۸-۳۵۹.
- حیدری زاده، م. (۱۳۸۲). وضعیت اشتغال اعضاء سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان در راستای بازنگری برنامه ریزی آموزشی. نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۲، صص ۳۷-۴۵.
- خلیل زاده، ن.، و ح. امین پور (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر در ریسک پذیری و میزان موفقیت در تحصیل و کارآفرینی اشتغال دانشجویان دانشگاه پیام نور ارومیه، گزارش تحقیق در مرکز اسناد دانشگاه پیام نور ارومیه.
- زمانی، م.، و آجیلی، ع. (۱۳۸۵). نهادینه کردن کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور (جلد اول)، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، صص ۳۵۶-۳۴۳.
- سالاز، ام.، تیونگ، اس.، و دیاز، ای. (۱۳۸۳). مقدمه ای بر کارآفرینی (مترجم: سیامک نطاق). تهران: کوهسار، صص ۵۳-۴۸.
- سریع القلم، آ. (۱۳۸۶). نقش دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی در کارآفرینی دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی (جلد دوم)، سمنان: دانشگاه سمنان، صص ۴۳۹-۴۲۷.
- شاه حسینی، ع. (۱۳۸۶). کارآفرینی. تهران: آبیژ، صص ۲۳۸-۲.
- شریف زاده، م.، و زمانی، غ. ح. (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی، مطالعه موردی دانشگاه شیراز. علوم کشاورزی/ایران، جلد ۲-۳۷، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۰۷.
- مرادی، ح.، و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۹). شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز). توسعه کارآفرینی، سال ۲، شماره ۸، صص ۱۶۱-۱۴۴.
- مکی‌آل‌آقا، ب. ا. (۱۳۸۶). نقش دانشگاه در توسعه کارآفرینی. اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۱۵.
- منصورفر، ک. (۱۳۸۹). روش‌های آماری. انتشارات دانشگاه تهران.
- یارایی، ع. (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز، صص ۲.
- یعقوبی، ج. (۱۳۸۹). بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و ارائه سازوکارهایی برای تقویت آن. توسعه کارآفرینی، سال ۲، شماره ۸، صص ۱۳۹-۱۲۱.

- Ang, S. H., and Hong, D. G. P. (2000). Entrepreneurial spirit among East Asian Chinese. *Thunderbird International Business Review*, 42 (3): 285-309. Available at: <<http://www.sciencedirect.com/science?>
- Brockhaus, R. (1980). The Effect of job Dissatisfaction on the Decision to start a Business, *Jornal of small Business Management*, 181: 37-43.
- Crant, M. J. (2000). Proactive behavior in organizations. *Management*, 26.
- Dam, K.V., Schipper, M., and Runhaar, P. (2010). Developing a competency-based framework for teachers 'entrepreneurial behavior. *Teaching and teacher education*, 26(4): 965-971.
- Drucker, P. F. (1986). Innovation and entrepreneurship, Harper and Row, Publishers, Inc., New York.
- Etzkowitz, H., Webster, A., Gebhardt, C., and Terra, B.R.C. (2000) The future of the university and the university of the future: evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm, *Research Policy*, 29 (2): 313-330.

- Farris, L., and Levenberg, J. (2004). In Search of Innovators in the University Community, 2004 ASEE Annual Conference and Exposition 2004, Salt Lake City, June 2004.
- Gorman, G., Hanlon, D., and King, W. (1997). Some research perspectives on entrepreneurship education and education for small business management. *International Small Business Journal*, April-June 1997.
- Gallowy, L., Anderson, M., Brown, W., and Wilson, L. (2005). Enterprise skills for the economy. *Education and Training*, 47(1):7-17.
- Guasch, J. L., Kuznetsov, Y. N., and Sanchez, S. M. (2002). Small and medium sized enterprises in Argentina: A potential engine for economic growth and employment. World Bank Sector Rep. No. 22803-AR. Washington, D.C.: World Bank.
- Gurel E. A., Altınay, L., and Daniele, R. (2010). Tourism students' entrepreneurial intentions. *Annals of Tourism Research*, 37(3): 646-669.
- Gurol, Y., and Atsan, N. (2006). Entrepreneurial characteristics amongst university students: Some insights for entrepreneurship education and training in Turkey. *Education and Training*, 48 (1): 25-38 .
- Holmgren, C., and From, J. (2005). Taylorism of the mind: Entrepreneurship education from a perspective of educational research, *European Educational Research Journal*, 4 (4): 382-390.
- Hornaday, J. A., and Vesper, K. H. (1981). Alumni perceptions of entrepreneurship courses after six to ten years. In: D. Sexton and P. Van Auken, Editors, *Entrepreneurship education*, Baylor University, Waco.
- Kao, J. (1991). The entrepreneurial organization, Printed in the United State of America, 75: 5-11.
- Malecki, E. J. (1994). Entrepreneurship in regional and local development, *International Regional Science Review*, 16 (1-2): 119-153 .
- Mc Clelland, D. (1962). Business Drive and National Achievement. *Harvard Business Review*, 40: 99-112.
- Mc Grath, R. G., MacMillan, I. C., and Scheinberg, S. (1992). Elitists, risk-takers, and rugged individualists? An exploratory analysis of cultural differences between entrepreneurs and non-entrepreneurs. *Journal of Business Venturing*, 7 (2): 115-135.
- Mckeran, D., and Flannigan, E. (1996). *Shaping the Entrepreneurial Company*, Chalford: Management Books 2000 Ltd.
- Morris M. H., Avila, R. A., and Allen, J. (1993). Individualism and the modern corporation: implications for innovation and entrepreneurship. *Journal of Management*, 19 (3).
- Oosterbeek, H., Van Praag, M., and Ijsselstein, A. (2009). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. *European Economic Review*, 54(3): 442-454.
- Peterman, N., and Kennedy, J. (2003). Enterprise education: Influencing students' perceptions of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28 (2): 129-144 .
- Pillis, E., and Reardon, K. K. (2007). The influence of personality traits and persuasive messages on entrepreneurial intention: A cross-cultural comparison. *Career Development International*, 12 (4): 382-396.
- Rasmussen, E., and Sorheim, R. (2006). Action-based entrepreneurship education. *Technovation*, 20(2) : 185-194.
- Reynolds, P. D., D. J. Storey and P. Westhead (1994). Cross national comparisons of the variation in new firm formation rates. *Regional Studies*, 28: 443-456.
- Robinson, P. B., and Sexton, E. A. (1994). The effect of education and experience on self-employment success. *Journal of Business Venturing*, 9: 141-157.
- Shapiro, A. (1980). Are business schools teaching business? Inc., January, 13.
- Stearns T. M., and Hills, G. E. (1996). Entrepreneurship and new firm development: a definitional introduction. *Journal of Business Research*, 36 (1).
- Thomas, A. S., and Muller, S. L. (2000). A case for comparative entrepreneurship: Assessing the relevance of culture. *Journal of International Business Studies*, 31: 287-301 .
- UNESCO. (2003). *World Declaration on Higher Education for the 21 st Century: Vision and Action*.
- Zampetakis L. A. (2008). The role of creativity and proactivity on perceived entrepreneurial desirability. *Thinking Skills and Creativity*, 3(2): 154-162.
- Zampetakis, L. A., and Moustakis, V. (2006). Linking creativity with entrepreneurial intentions. A structural approach. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 2 (3): 413-428.

Entrepreneurial Capacity of Agricultural Faculty Students of Bu-Ali Sina University

H. Saadi* and A. Soleymani¹

(Received: Apr, 04. 2011; Accepted: Nov, 07. 2012)

Abstract

Entrepreneurship is one of the essential elements of technology development, innovation promotion, job creation and social welfare. The main purpose of this study is surveying entrepreneurship capacity of students of Bu-Ali Sina University (faculty of agriculture) and find out its determinants. The research is an applied type in which Descriptive-Causal method was employed. The tool for data collection was questionnaire the reliability of which was 79%. Population of the research consisted of 1353 students of Agricultural faculty Bu-Ali Sina University (B.s and M.s students) in 2011, 114 of whom were selected as a sample through probability proportionate sampling. The data were analyzed in two descriptive and inferential parts through SPSS software. In data describing descriptive statistics such as frequency, percentage, median, mode, standard deviation, variance, mean, coefficient of variation and other materials have been used. In analyzing the data according to gender variables, statistical tests, correlation coefficients were used. Results show entrepreneurial capacity 20 percent of the students is poor, 33.8 percent moderate, 26.3 percent good and 16 percent is the upper limit. The results showed, there is significant relationship between field of study at the University and participate in training and entrepreneurial capacity. At the end, according to the survey results will provide recommendations are provided to promote the entrepreneurial capacity of students.

Keywords: Entrepreneurship, Entrepreneur, Faculty of Agriculture, Risk, Creativity

1-Assistant Professor, and Former Graduate student, Agricultural Extension & Education Department, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran, respectively.

* -Corresponding Author, E-mail: hsaadi48@basu.ac.ir